

MADDE YAYINLANDIKTAN  
SONRA GELEN DOKÜMAN

1410 HOLLENBERG, David. Neoplatonism in  
pre-Kirmānian Fātimid doctrine: a critical edition  
and translation of the prologue of the *Kitāb*  
*al-Fatarāt wa-l-Qirānāt*. *Le Muséon*, 122 i-ii (2009)  
pp. 159-202. Ismā'īlī genealogy attributed to  
the Fātimid missionary Ja'far ibn Maṣūf al-Yaman  
(d. c. 348/960).

Cafer b. Mansur  
Yem  
030022

21 Kasım 2017

12 NISAN 2005

MADDE YAYINLANDIKTAN SONRA GELEN DOKÜMAN

Cafer b. Mansur

393 [JA'FAR B. MANŞÜR al-YAMAN]. *The master and the disciple: an early Islamic spiritual dialogue: Arabic edition and English translation of Ja'far b. Manşür al-Yaman's Kitāb al-'Ālim wa'l-ghulām* / James W. Morris. London: Tauris, in association with the Institute of Ismaili Studies, 2001 (Ismaili Texts and Translations Series, 3). 225+180pp.

Cafer b. Mansur ul-Yemen

3781-9.297

Idris Imaduddin  
Tarihul-kulfa'il-Fatimiyin  
78, 570-571,

030022 CAFER b. MANSURUL YEMEN 1 00115 58

IBN MANŞÜR al-YAMĀN (Ja'far). - كتاب الكشف المنسوب الى الادي جعفر بن منصور اليمن. نشره ز. ستروتمان. - *Kitāb al-kashf of Ja'far b. Manşūr al-Yaman*. Edited by R. Strothmann. - London, G. Cumberlege, 1952. In-8°, fragnations diverses. [Acq. 20358]-II f. = [Dep. des Ms. 8°mp. nr. 2967 (13)]  
(*Kitāb al-kashf*. Commentaire ismailite du Coran. Islamic research association. Series, N° 13.)  
Coran. Commentaire. Ismailisme. 10°-5. - Ismailisme. Coran. Commentaire. - 10°-5.

Cafer b. Mansur ul-Yemen

CAFER b. MANSUR al-YEMEN

85-961556

Yaman, Ja'far ibn Manşūr, d. 958 or 9.  
[Kashf]  
(*Kitāb al-kashf*)  
كتاب الكشف / المنسوب لجعفر بن منصور اليمن ؛ تحقيق وتقديم مصطفى غالب . - الطبعة 1 . - بيروت ، لبنان : دار الأندلس ، 1984 .  
155 p. ; 24 cm.  
Includes bibliographical references. \$4.00 (U.S.)  
Classical work on al-ta'wil (interpretation) according to Shiites; edited and introduced by a modern scholar.  
I&S-Islam.

3781 9. 297

Idris Imaduddin  
Tarihul-kulfa'il-Fatimiyin

570-

54

IBN MANŞÜR al-YAMĀN (Ja'far)  
كتاب الكشف المنسوب الى الادي جعفر بن منصور اليمن...  
*Kitāb al-kashf of Ja'far b. Manşūr al-Yaman*, edited by R. Strothmann. Oxford, Oxford University press, published for the Islamic Research Association by Geoffrey Cumberlege, London, New York, Bombay, Calcutta, Madras, 1952. In-8°  
(*Kitāb al-kashf*...)  
(Islamic Research Association series, n° 13)

12 NISAN

MADDE YAYINLANDIKTAN SONRA GELEN DOKÜMAN

Cafer b. Mansur ul-Yemen

Cafer b. Mansur ul-Yemen

27 AGUSTOS 1997

A. Bedevi:  
Mazalibul-Isleimiyin  
II . 211 .

A  
Abbas Hourani  
Evolution of the Organizational Structure of the Fatimi Dai'rah  
S. 89-90

7406. 297. 47.

ISMALİYYE posetinde

- FATİMİLER

- 0300 22 CAFER 6. MANSURÜ'İ-YEMEN

-HAMDÂNÎ (Husayn ibn Fayḍ 'Allāh al-)

1

11131 59

HAMDÂNÎ (Husayn ibn Fayḍ 'Allāh al-).— On the genealogy of Fatimid caliphs, Statement [of Ja'far Ibn Mansūr al-Yamanî] on Mahdî's communication to the Yemen on the real and esoteric names of his hidden predecessors, by Husayn F. al-Hamdani. With a foreword by Bayard Dodge....  
في نسب الخلفاء الفاطميين، أسماؤ الأئمة الستة كما وردت في كتاب أمير المهدي عبد الله إلى ناحية اليمن. تقديم حسين بن فير الله الهذلي. ...  
... — Cairo, 1958. In-8°, 22-14 p., facsim. [Acq. 937-59] -

8° Z. 34948 (1)

(Fi naseb al-hulafā' al-

Fatimiyyin. Le terte de

Ja'far ibn Mansūr al-Yamanî

est extrait de son ouvrage

.../...

-HAMDÂNÎ (Husayn ibn Fayḍ 'Allāh al-)

2

11132 59

HAMDÂNÎ (Husayn ibn Fayḍ 'Allāh al-).— On the genealogy of Fatimid caliphs...

8° Z. 34948 (1)

intitulé: K. al-Farā'id wa-haddūd al-dīn.— Publications of the American University at Cairo. School of Oriental studies. Occasional paper n° 1. Maḥbūḥāt al-Jamī'a al-ʿarabiyya bi-l-Qāhira. Maḥad al-dirāʾāt al-šarʿiyya. al-Bisāla al-ʿulā.

SONRA GELEN DOKÜMAN

54

-HAMDÂNÎ (Husayn ibn Fayḍ 'Allāh al-)

في نسب الخلفاء الفاطميين ... تقديم حسين فير الله الهذلي. ...  
تقديم بايرد دوچ

On the genealogy of Fatimid caliphs (Statement on Mahdî's communication to the Yemen on the real and esoteric names of his hidden predecessors). By Husayn F. al-Hamdani. With a foreword by Bayard Dodge,...

Cairo, 1958. In-8°, 22- 14 p., pl., facs.

[Fi naseb al-hulafā' al-Fatimiyyin ....]

(Publications of the American University at Cairo. School of oriental studies. Occasional Paper, n° 1.)

1591

بغداد [۱۹۶۵]، چاپ افست قم ۱۳۶۲ ش؛ خیرالدین زرکلی، الاعلام، بیروت ۱۹۹۹؛ محمد امین بن فضل الله محبی، نفحة الريحانة ورشحة طلاء الحانة، چاپ عبدالفتاح محمد حلو، [قاهره] ۱۳۸۷-۱۳۹۱/۱۹۶۷-۱۹۷۱؛ علی خان بن احمد مدنی، سلافة العصر فی محاسن الشعراء بکل مصر، مصر ۱۳۲۴، چاپ افست تهران [بی تا]؛ عبدالعظیم مهدی بحرانی، علماء البحرین: دروس و عبر، بیروت ۱۴۱۴/۱۹۹۴. / زهرا نھاوندی /

### جعفر بن محمد، امام ← الصادق، امام

### جعفر بن محمد بن اسماعیل ← مصدق، جعفر بن محمد

**جعفر بن منصور الیمن**، عالم و داعی اسماعیلی او اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم. از تاریخ تولد و وفات او اطلاع دقیقی در دست نیست؛ اما، چون کتاب تأویل الزکاة را احتمالاً در آخرین سال زندگی مُعزّلدین اللّٰه، خلیفه فاطمی (متوفی ۳۶۵)، نوشته (د. اسلام، چاپ دوم، تکملة ۳-۴، ذیل ماده) احتمالاً پس از ۳۶۵ درگذشته است. در منابع اسماعیلی به زندگی او فقط اشاراتی شده است. جعفر فرزند نخستین داعی اسماعیلی در یمن، حسن بن فرج بن حوشب بن زادن کوفی مشهور به ابن حوشب و منصور الیمن\*، بود (قاضی نعمان، ص ۱۶؛ نیز ← قاضی عبدالجبار بن احمد، ج ۲، ص ۳۷۷؛ الجامع فی اخبار القرامطة، ج ۱، ص ۲۹۷، پانویس ۴). ابن حوشب اهل کوفه بود (یمانی، ص ۳۶۰؛ قاضی نعمان، همانجا) و در ۲۶۸ به یمن رفت (← یمانی، ص ۳۶۱ و پانویس ۱؛ قاضی نعمان، ص ۲۴-۲۵). پس از آنکه عبیدالله المهدی، رهبر دعوت اسماعیلیه، در ۲۸۶ ادعای امامت کرد، ابن حوشب ادعای او را پذیرفت (د. اسلام، همانجا). در این زمان میان داعیان اسماعیلی یمن، ابن حوشب و علی بن فضل الجَدنی، اختلاف افتاد و خلافت فاطمیان از جانب علی بن فضل انکار شد. از آن پس فاطمیان در یمن تنها از ابن حوشب حمایت می کردند (ادریس عمادالدین قرشی، ج ۵، ص ۴۰-۴۲). عبیدالله المهدی پس از وفات ابن حوشب در ۳۰۲ (یمانی، ص ۳۷۹)، عباس شاورری را جانشین او کرد. حسن، برادر جعفر، از حسادت شاورری را به قتل رساند. جعفر این عمل برادرش را خروج از مذهب تلقی کرد و در ۳۲۲ به مغرب، مرکز خلافت قائم بامرالله (حک: ۳۲۲-۳۳۴)، دومین خلیفه فاطمی، رفت (همان، ص ۳۷۹-۳۸۰؛ نیز ← ایوانوف<sup>۱</sup>، ۱۹۵۵، ص ۱۴۶-۱۴۷). او علاوه بر قائم، دو خلیفه فاطمی دیگر، یعنی

اولین قصیده خطی در دیوانش، مضمونی تغزلی دارد که آن را در ۹۹۹ سروده و دیگر اشعار را بعد از سال ۱۰۰۰ گفته است (همان، ص ۴۱). وی در جوانی به مدح امرا پرداخت. مدحیه‌ای که برای وزیر بحرین، رکن‌الدین محمد (محمود) بن نورالدین، در عید فطر ۱۰۰۱ سروده است، از بهترین قصاید وی به شمار می‌آید (محبی، ج ۳، ص ۲۰۹؛ مدنی، ص ۵۲۷). قصیده‌ای نیز در مدح امام رضا علیه السلام سروده و در رثای امام حسین علیه السلام و برخی سادات و علویان نیز قصایدی دارد (← مدنی، ص ۵۳۴؛ امین، ج ۴، ص ۱۵۷، ۱۶۲-۱۶۵). یک خمربه و قصایدی در وصف شیراز، حلوا، خرما و ماهی نیز از او به جا مانده است (← مدنی، ص ۵۲۹؛ امین، ج ۴، ص ۱۶۸-۱۶۹). از دیگر موضوعات شعری او هجو، اعتذار، شکوه، عتاب، موعظه و مناجات است (← امین، ج ۴، ص ۱۶۵، ۱۶۸-۱۷۳). دوبیتیهایی نیز هم وزن دو بیتیهای فارسی دارد که آنها را در ۱۰۰۱ سروده است (← همو، ج ۴، ص ۱۵۸). بنا بر برخی منابع، خطی در ۱۰۲۸ در شیراز وفات یافت. عمر او را بین ۴۵ تا ۵۰ سال تخمین زده‌اند (← مدنی، ص ۵۲۴؛ تنوخی، مجله المجمع العلمی العربی، ج ۸، ش ۱، ص ۴۱)؛ اما، آقابزرگ طهرانی (ج ۹، قسم ۱، ص ۳۶)، با ارائه دلایلی، تاریخ وفات او را ۱۰۴۰ یا بعد از آن ذکر کرده است. از خطی دیوان شعری به جا مانده است که مدت‌ها شهرت داشت و در زمان خودش، حسن بن محمد عتوی هذلی (شاعر قرن یازدهم) به دستور سید شریف جعفر بن عبدالجبار بن حسین، آن را جمع‌آوری کرد (مدنی، همانجا؛ امین، ج ۴، ص ۱۵۷). اولین نسخه دینوان را دوست شاعر، جعفر بن عبدالجبار بن حسین کتابت کرده است و قدیم‌ترین تاریخی که در پایان صفحه تقدیم دیوان ذکر شده ۱۱۳۴ است (تنوخی، مجله المجمع العلمی العربی، ج ۸، ش ۱، ص ۳۸). محمد بن حسن حرّعاملی دیوان او را دیده است (قسم ۲، ص ۵۵؛ برای نسخه‌های دیگر ← آقابزرگ طهرانی؛ امین؛ تنوخی، همانجاها؛ نیز ← تنوخی، مجله المجمع العلمی العربی، ج ۸، ش ۲، ص ۹۰؛ ش ۳، ص ۱۶۰-۱۶۱). به گفته زرکلی (ج ۲، ص ۱۲۹) دیوان شاعر به چاپ رسیده است.

منابع: آقابزرگ طهرانی؛ امین؛ علی بن حسن بحرانی، انوارالبدین فی تراجم علماء القطیف و الاحساء و البحرین، چاپ محمدعلی محمدرضا طیبی، نجف ۱۳۷۷، چاپ افست قم ۱۴۰۷؛ عزالدین تنوخی، «الادب فی البحرین»، مجله المجمع العلمی العربی، ج ۸، ش ۱ (رجب و شعبان ۱۳۴۶)، ش ۲ (شعبان و رمضان ۱۳۴۶)، ش ۳ (رمضان و شوال ۱۳۴۶)؛ محمد بن حسن حرّعاملی، امل الامل، چاپ احمد حسینی،

J6-15

# Biobibliography of Ismā'īlī Literature

Cafes b. Mansur (al-Yaman)

12 5 TEMMUZ 1992

by  
ISMAIL K. POONAWALA

ISLAM TARİH SANAT  
VE KÜLTÜRÜ ARAŞTIRMA  
MERKEZİ - İSTANBUL 827

297.62 016  
P.O. B

Associate Editor

Teresa Joseph

Gustave E. von Grunebaum Center for Near Eastern Studies  
University of California, Los Angeles

UNDENA PUBLICATIONS Malibu, California

7. رسالة جامعة الجواهر، برأوية الشيخ أبي عيسى المرشد  
MSS. Fyz 80, iv (Goriawala, 69); Qay: i, DC 1316; ii, n.d., both  
bound with other treatises.
8. أروع الأسماء السبعة  
MSS. Zah, DC 781.  
Excerpts. Zāhid 'Alī, ed. and trans., *Ismā'īlī mazhab*, 90 ff.

Abū al-Qāsim Ja'far b. al-Ḥasan b. Faraj b. Ḥawshab [Ja'far b. Manṣūr al-Yaman]

Ḥasan, the elder brother of Ja'far, having been disappointed in getting himself nominated by the Fāṭimid caliph al-Mahdī to succeed his father as the head of the *da'wah* defected from the *da'wah* camp and subsequently plotted to have the chief *dā'ī*, 'Abd Allāh b. 'Abbās al-Shāwarī, assassinated. Ja'far, who had remained loyal to the Fāṭimid cause, found it difficult to reconcile with his brother. He migrated to North Africa and arrived in al-Mahdīyah soon after the accession of the second Fāṭimid caliph al-Qā'im. Subsequently he enjoyed the confidence of the Fāṭimid caliphs and reached a high rank in the *da'wah* during the reign of al-Mu'izz li Dīn Allāh. According to an anecdote narrated by Idrīs 'Imād al-Dīn, he occupied a superior position in the *da'wah* hierarchy than that of his contemporary al-Qāḍī al-Nu'mān.<sup>2</sup>

He is considered as one of the leading exponents of *ta'wīl*.

#### SOURCES

- A. Jawdhārī, *Sīrat ustādh Jawdhar*, 126-7.  
Kirmānī, *Rāḥat al-'aql*, 22.

<sup>1</sup> Abū 'Isā al-Murshid was entrusted by al-Qā'id al-Jawhar after the conquest of Egypt to administer the *mazālim*, see Maqrīzī, *Itti'āz*, I, 117.

<sup>2</sup> Idrīs 'Imād al-Dīn narrates that on a certain occasion, after Nu'mān had recovered from an illness, he waited upon al-Mu'izz who inquired about the various dignitaries who had visited him during that illness. Nu'mān replied that every one came except Ja'far. Al-Mu'izz ordered certain books to be brought, gave them to Nu'mān for perusal, and asked for his opinion. After examining the book Nu'mān said: "How can I comment on a work composed by you?" Whereupon Mu'izz answered: "This is the work of your master, Ja'far." Nu'mān, on hearing this, realized Ja'far's high rank and went straight to him to pay his respects.

Whether the story is authentic or not is another question, but it illustrates the position of *bāṭinī* sciences over *zāhirī* sciences.

Ḥammādī, *Kashf asrār*, 40.

H. Ḥamidī, *Tuhfat al-qulūb*, 50 (No. 1).

M. Ḥārithī, *Majmū' al-tarbīyah*, I (Nos. 1, 2, 11, 12).

'Alī b. al-Walīd, *R. tuhfāt al-murtādd*, 164-5 (Nos. 2, 3).

Ḥusayn b. 'Alī b. al-Walīd, *R. al-wahīdah* (Nos. 11, 12).

Daylamī, *Qawā'id*, 53-55 (No. 7 where it is wrongly ascribed to *Sijistānī*), 57, 58, 60, 66-68, 109.

Janadī, *Sulūk*, as cited in Kay, *Yaman*, 151.

Idrīs: 'Uyūn, V, 50; VI, 39, 40 (Nos. 12, 13); VII, 1; *Ḍiyā' al-baṣā'ir*, Questions 3, 7 (No. 3).

Sham'un, *Masā'il*, as cited in Fyze, "Study of the literature," 243 (No. 7).

Bharūchī, *al-Azhār*, I, 193-4 (Nos. 2, 3, 8, 11).

Majdū', *Fihrist*, 134-5, 138-9, 150, 153, 187-8, 190-91, 259-60, 278, 280 (Nos. 1-11, 14).

Muḥammad 'Alī, *Mausim-i bahār*, II, 386-7.

B.1 Massignon, "Esquisse biblio. Qarmaṭe," 332.

Ivanow: *Guide*, 36; *Ism. Lit.*, 21, 22.

Kraus, "Biblio. Ismaélienne," 486-7.

Brockelmann: *GAL*, SI, 324; *TAA* (trans. Najjār), III, 354.

Sezgin, *CAS*, I, 578-9.

B.2 H. Hamdani: "Unknown Ismā'īlī authors," 370-71; *al-Sulayhīyūn*, 52-54, 256-7.

Zāhid 'Alī: *Tārīkh*, 396-7; *Ismā'īlī mazhab*, passim.

Ḥasan, *Ta'rīkh*, 483-8.

Quadrat Allāh, *Fāṭimī khilāfat*, 300.

Ghālib, *A'lām*, 185-6.

#### WORKS

1. الشواهد والبيان في إثبات مقام أمير المؤمنين والأئمة من نريته ومقامات حدودهم الميامين

For contents see Majdū', *Fihrist*, 190-91.



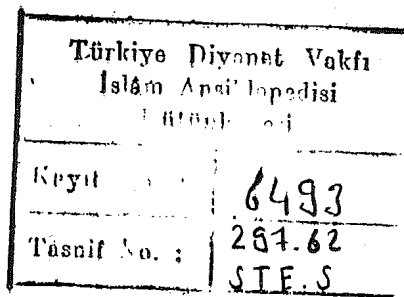
## STUDIES IN EARLY ISMĀ'ILISM

Cafer b. Mansur al-Yaman

Diğer karand.  
M. Öz

BY  
S. M. STERN

146152



1983

THE MAGNES PRESS - THE HEBREW UNIVERSITY - JERUSALEM  
E. J. BRILL, LEIDEN

### CHAPTER SEVEN

#### JA'FAR IBN MANŞÜR AL-YAMAN'S POEMS ON THE REBELLION OF ABŪ YAZĪD

The following is an extract from an article by Stern entitled "Ja'far b. Manşūr al-Yaman's Account of the Genealogy of the Fātimids". Here he began an analysis of that section of *al-Farā'id wa-Hudūd al-Din* by Ja'far b. Manşūr concerning the Fātimid genealogy and which was published by Ḥusayn F. al-Hamdāni as a pamphlet in 1958.<sup>1</sup> He preceded the analysis with this biographical information about Ja'far and the text of certain poems by him, preserved in the *'Uyūn al-Akhhār*. [Ed.]

An account of the circumstances which obliged Ja'far b. Manşūr al-Yaman<sup>2</sup> to leave his native Yemen and join the Fātimid court in North Africa is contained in the invaluable history of the Ismā'ilīs in Yemen, written by one of their enemies in the middle of the eleventh century, Muḥammad b. Malik al-Ḥammādī: "Revelation of the secrets of the Bāṭinis and the story of the Qarmaṭians" (*Kashf Asrār al-Bāṭiniyya wa-Akhhār al-Qarāmiṭa*), Cairo, 1939, pp. 39-41.

Ja'far's father was Abū'l-Qāsim al-Ḥasan b. Ḥawshab al-Najjār al-Kūfī, who together with 'Alī b. al-Faḍl al-Jadāni was the founder of Ismā'ilism in the Yemen and who is generally known by the epithet *Manşūr al-Yaman*, "the victorious one of the Yemen". When Manşūr al-Yaman died in 302/914 he was succeeded in the leadership by 'Abd Allāh b. 'Abbās al-Shāwirī, who, making use of his connections with the Fātimid court in North Africa, succeeded in supplanting the sons of Manşūr al-Yaman. Abū'l-Ḥasan Manşūr, the chief heir of Manşūr al-Yaman, retired to his castles in Miswar where the other sons of Manşūr al-Yaman, amongst them Ja'far and Abū'l-Faḍl, joined him. Ja'far, noticing his brother's envy of, and hostile intentions towards, 'Abd Allāh b. 'Abbās, tried to persuade him that a quarrel would only lead to the weakening of the Ismā'ilī cause. In spite of this warning,

<sup>1</sup> Hamdāni, *Genealogy*.

<sup>2</sup> Cf. *Ifṭitāh al-Da'wa*, pp. 32 ff.; Ivanow, *Guide*, p. 36; *GAS* I, p. 578.

Abū'l-Ḥasan waited for his opportunity and murdered 'Abd Allāh b. 'Abbās, and regained his fathers' dominions. After this, however, he publicly renounced Ismā'ilism and returned to orthodox Islam. Ja'far left the Yemen and emigrated to North Africa to the court of the second Fātimid caliph, al-Qā'im (322-336/933-946). Abū'l-Ḥasan persecuted the Ismā'ilīs who were obliged to keep their beliefs secret, but still had a leader who continued to correspond with the Fātimid caliph. Abū'l-Ḥasan was killed during a visit to a certain Ibn al-'Arjī, lord of 'Abr Maḥmūm.<sup>3</sup> His lieutenant whom he had left behind in Miswar, Ibrāhīm b. 'Abd al-Ḥamid al-Sibā'i, seized power in Miswar, while the children and wives of Abū'l-Ḥasan moved to Mount Dhū As'ab,<sup>4</sup> where they were killed by the Muslims. Ibrāhīm al-Sibā'i and Ibn al-'Arjī came to an agreement according to which they shared the rule over the west of the Yemen. Ibrāhīm also left and recited the *khutba* in the name of the 'Abbāsid caliph. We need not continue the story beyond this point, the rest does not concern the family of Manşūr al-Yaman. Also in the preceding abstract the picturesque account, which contains dialogues between the protagonists, a quotation from a poem sent by Ja'far from North Africa to the Yemen, etc., has been reduced to the essentials, as the original text is available.

We do not know the exact date of Ja'far's emigration to the court in Mahdiyya, as we are only told that it occurred under the caliphate of al-Qā'im. We hear of Ja'far during the last two years of the caliphate of al-Qā'im and the first year of his successor al-Manşūr, in connection with the great rising of the Khārijite Abū Yazīd al-Nukkārī which came near to destroying the Fātimid state. There have been preserved some poems by Ja'far on various episodes of this war. They are to be found in the *'Uyūn al-Akhhār* by the *dā'i* Idrīs<sup>5</sup> who, no doubt, derived them from some contemporary chronicle to which he is indebted for his extensive account of the wars of Abū Yazīd.

After the attack on Mahdiyya on Monday, 23rd Rajab, which was repelled by the Fātimid defenders of the city, Ja'far composed a poem, the beginning of which is quoted in the chronicle. In it he celebrates the success and encourages the Ismā'ilīs by the promise of final victory

<sup>3</sup> Spelling uncertain.

<sup>4</sup> Not identified.

<sup>5</sup> See above, p. 96.



MADDE YAYIMLANDIKTAN  
SONRA GELEN DOKÜMAN

Cofer b. Mansur'it-Yemen  
- Ismaeliyye 091854

Une version ismaélienne de *ḥadīṭs* imamites.

## Nouvelles perspectives sur le traité II du *Kitāb al-Kaṣf* attribué à Ġā'far b. Maṣṣūr al-Yaman (X<sup>e</sup> s.)

Fâres Gillon

École Pratique des Hautes Études, Paris

### Résumé

Le *Kitāb al-Kaṣf*, attribué à Ġā'far b. Maṣṣūr al-Yaman (X<sup>e</sup> s.), est un recueil de six traités ismaéliens anciens. L'examen du deuxième de ces six traités montre qu'il est constitué pour l'essentiel de deux *ḥadīṭs* attestés dans les sources duodécimaines, bien que cela ne soit pas précisé par l'auteur ou l'éditeur du *Kitāb al-Kaṣf*. Selon les cas, la comparaison entre les versions ismaélienne et imamite des *ḥadīṭs* éclaircit le texte du *Kitāb al-Kaṣf*, souvent difficile et obscur, ou laisse soupçonner une transmission parallèle à celle dont les recueils duodécimains se font l'écho.

### Mots clés

*Ḥadīṭ*, ismaélisme, šī'isme, imamisme, *Kitāb al-Kaṣf*, Ġā'far b. Maṣṣūr al-Yaman

### Abstract

The *Kitāb al-Kaṣf*, attributed to Ġā'far b. Maṣṣūr al-Yaman (10th c.), is a collection of six ancient Ismaili treatises. A study of the second of these six treatises reveals that it consists mainly of two *ḥadīṭs* also attested in Twelver Šī'i sources, although the versions in the Ismaili sources are not identified explicitly as *ḥadīṭ* by the author/editor of the *Kitāb al-Kaṣf*. In some cases, comparing the Ismaili and Twelver Šī'i versions clarifies the text of the *Kitāb al-Kaṣf*, whose meaning is often difficult and obscure. In other cases, it prompts us to suspect the existence of parallel transmissions between the Ismaili and Twelver Šī'i traditions.

### Keywords

*Ḥadīṭ*, Ismaelism, Šī'ism, Imamism, *Kitāb al-Kaṣf*, Ġā'far b. Maṣṣūr al-Yaman

Le *Kitāb al-Kaṣf* (Livre du dévoilement) est attribué par la tradition ismaélienne à Ġā'far b. Maṣṣūr al-Yaman (mort au Caire sous le règne d'al-Mu'izz, le quatrième calife fatimide de 341/953 à 365/975). Le père de Ġā'far, Ibn Ḥawšab, originaire de Kūfa, fut envoyé au Yémen, en compagnie du Yéménite 'Alī l-Faḍl, pour y prêcher l'ismaélisme. Cette entreprise fut couronnée de succès, ce qui lui valut le surnom de Maṣṣūr al-Yaman<sup>1</sup>. Lorsque, en 286/899, l'imam de Salamiyya, 'Ubayd Allāh, proclama qu'il était le *Mahdī* attendu,

<sup>1</sup> Littéralement, «l'assisté [par Dieu] dans sa victoire sur le Yémen».

Maṣṣūr al-Yaman fut de ceux qui lui prêtèrent allégeance, tandis que d'autres, comme 'Alī l-Faḍl, le renièrent. Cela ne fut pas sans provoquer de graves troubles qui allèrent croissant à la mort d'Ibn Ḥawšab en 302/914, puisque ses fils furent écartés de la succession à la tête de la communauté ismaélienne au Yémen, si bien qu'ils rompirent avec le califat fatimide et le combattirent. Ġā'far b. Maṣṣūr al-Yaman fit toutefois exception; il demeura fidèle aux positions de son père et finit par quitter le Yémen, devenu trop instable, pour le Maghreb, sous le califat d'al-Qā'im bi-Amr Allāh (m. en 334/946), successeur d'al-Mahdī (m. en 322/934)<sup>2</sup>.

Ġā'far b. Maṣṣūr al-Yaman était, avec le célèbre Qāḍī Nu'mān (m. 363/974), l'un des plus hauts dignitaires de la dynastie fatimide naissante. Tous deux contribuèrent par l'abondance de leurs écrits à l'élaboration de la doctrine officielle du califat. La recherche contemporaine s'est cependant concentrée sur la figure d'al-Nu'mān, en raison de l'importance de son rôle politique et juridique, délaissant quelque peu Ġā'far, qui n'a fait, jusqu'à présent, l'objet d'aucune étude complète, malgré le nombre et l'importance de ses écrits<sup>3</sup> et la prééminence spirituelle que lui reconnaît la tradition ismaélienne<sup>4</sup>. Il ne s'agira

<sup>2</sup> Sur tous ces événements, voir notamment Wilferd Madelung, «Maṣṣūr al-Yaman», *EP*; Heinz Halm, «Djā'far b. Maṣṣūr al-Yaman», *EP*; Heinz Halm, «Die Sirat Ibn Ḥawšab: Die ismailitische da'wa im Jemen und die Fatimiden», *Welt des Orients*, 12 (1981), p. 108-35. On se reportera également à l'ouvrage de Qāḍī Nu'mān sur le début de l'épopée ismaélienne, *Iḥtibāḥ al-dā'wa*, récemment traduit en anglais: *Founding the Fatimid State: the Rise of an Early Islamic Empire*, trad. anglaise, introduction et notes par Hamid Haji, Londres/New York, I.B. Tauris/Institute of Ismaili Studies, 2006. Voir aussi les principaux ouvrages historiques sur les débuts du califat fatimide: Farhat Dachaoui, *Le califat fatimide au Maghreb: histoire politique et institutions. 296-362/909-973*, Tunis, Société tunisienne de diffusion, 1981; Farhad Daftary, *The Ismā'ilis: their History and Doctrines*, Cambridge/New York, Cambridge University Press, 1990; Farhad Daftary, *A short history of the Ismailis: traditions of a Muslim community*, Edimbourg, Edinburgh University Press, 1998.

<sup>3</sup> Entre onze et quinze ouvrages lui sont attribués d'après les travaux bibliographiques suivants (dans l'ordre chronologique): Wladimir Ivanow, *A Guide to Ismaili literature*, Londres, Royal Asiatic Society, 1933, p. 36, XI n°40 à 50; Paul Kraus, «La bibliographie ismaélienne de W. Ivanow», *Revue des études islamiques*, 6 (1932), p. 486; Wladimir Ivanow, *Ismaili literature: a Bibliographical Survey*, Téhéran, Tehran University Press, 1963, p. 21-2, n°13 à 23; Ismail K. Poonawala, *Biobibliography of Ismā'ili literature*, Malibu, Undena publications, 1977, p. 70-5.

<sup>4</sup> On trouve dans le *'Uyūn al-aḥbār* du dā'i Idrīs 'Imād al-Dīn (m. 972/1488) un récit qui atteste cette prééminence. Qāḍī Nu'mān étant tombé malade, tous les dignitaires de l'État vinrent lui rendre visite, sauf Ġā'far b. Maṣṣūr al-Yaman. Lorsqu'il s'en plaignit au calife al-Mu'izz, celui-ci ordonna qu'on lui apportât des livres. Il en prit un et le présenta au juriste en lui demandant ce qu'il en pensait. «Et comment serait-il possible que je commente vos paroles?» répondit al-Nu'mān. L'imam reprit alors: «Ceci a été composé par ton maître (*maawlāka*) Ġā'far.» Al-Nu'mān alla immédiatement présenter ses respects à Ġā'far. Selon ce récit, al-Nu'mān, représentant de la Loi, fait erreur en se considérant comme le plus haut dignitaire du régime fatimide après l'imam et en s'indignant de ce que Ġā'far ne lui rende pas visite. L'imam l'invite alors à reconnaître la juste valeur de son rang, en reconnaissant la supériorité du rang qui le précède.

# كتاب الكشف

المنسوب  
لجعفر بن منصور اليمن

Türkiye Diyanet Vakfı İslâm Ansiklopedisi Cephnesi	
Kayıt No. :	12905
Tasnif No. :	297.28 YEM.K

تحقيق وتقديم  
الدكتور مصطفى غالب

دار الأندلس  
للطباعة والنشر والتوزيع

بيروت

١٩٨٤-١٤٠٤

Cafer b. Mansur Yemen

18 TEMMUZ 1994

MADDE YASINDA ANILANLARIN  
SUNBA KOLLEK BOKSUNAK



JA'FAR B. MANŞUR-AL-YAMAN, a high-ranking Isma'ili author who flourished during the reigns of the first four Fatimid caliphs. His father, Ebn Ḥawšab (d. 302/914, q.v.), originated from a learned Shi'ite family of Kufa, and pioneered the Isma'ili *da'wa* (see FATIMIDS) in the Yemen, where his conquests earned him the honorific title of Manşur-al-Yaman (Conqueror of Yemen). Ja'far's detailed account of his father's life (*Sirat abihī*) has been largely preserved through quotations. After Ebn Ḥawšab's death, Ja'far was his only son to remain faithful to the mission (*da'wa*). Antagonism between him and his disgruntled brother, Abu'l-Ḥasan, eventually forced him to emigrate to the Mağreb, where he arrived during the reign of the second Fatimid caliph al-Qā'em (r. 322-34/933-46; see Ḥammādi, pp. 39-41.). Ja'far witnessed the serious anti-Fatimid rebellion led by the Kharijite Abu Yazid (d. 336/947), which rattled the Fatimid state during the last two years of al-Qā'em's reign and the beginning of the reign of his successor al-Manşur (r. 334-41/946-53). Ja'far's fervent support for the Fatimids is expressed in his poems, composed during the years 333-36/945-48 and celebrating Fatimid victories (Stern, pp. 146-52). After defeating Abu Yazid, al-Manşur founded, near Qayrawān, his new residential town Manşuriya, where Ja'far had a fine house. His financial situation led him to mortgage his house, and he was in danger of losing it when the caliph al-Mo'ezz (r. 341-65/953-75) saved him from his predicament by paying off his debt in recognition of his and his father's services ('Azizi Jawḍari, pp. 126-27; tr. pp. 193-94). Ja'far died at an unknown date in the early period of al-Mo'ezz's reign.

Ja'far's works were often copied and incorporated in later anthologies of Isma'ili literature (Poonawala, pp. 71-75, 144, 150, 317, 323). They are largely devoted to allegorical interpretation (*ta'wil*) in which he relates words and expressions from the Qur'ān, Islamic rituals, and letters of the Arabic alphabet, to the grades of the hierarchy of the Fatimid *da'wa* (*ḥodud al-din*); the numbers seven and twelve feature prominently in his scheme. Among Ja'far's early works are *Ketāb al-'ālem wa'l-ḡolām*, a dialogue of spiritual initiation, and *Ketāb al-kaşf* containing six short pre-Fatimid *ta'wil* treatises dealing mainly with the subject of the imamate. Ja'far viewed the imamate as a continuation of prophecy. His works on stories of the prophets were written particularly with this view. These include *al-Şawāhed wa'l-bayān* supporting 'Ali's succession to the imamate, *Sarā'er al-noṭaqā'* and its sequel *Asrār al-noṭaqā'*, as well as the interpretation of the *sura* Yusof contained in his *Ketāb al-farā'eż wa ḥodud al-din*. One epistle of Ja'far, *Şarḥ dalālāt ḥoruf al-mo'jam* (or *Resālat ta'wil ḥoruf al-mo'jam*), is devoted to the interpretation of the letters of the Arabic alphabet.

*Bibliography:* Works. *Ketāb al-farā'eż wa ḥodud al-din*, The Institute of Ismaili Studies Library (IISL), London, MS no. 928; *al-Reżā' fi'l-bāṭen*, London, IISL, MS no. 1143; *Şarḥ dalālāt ḥoruf al-mo'jam*, London, IISL, MS no. 141; *al-Şawāhed wa'l-bayān*,

London, IISL, MS no. 142; *Ta'wil surat al-nesā'*, London, IISL, MS no. 1103; *Ketāb al-'ālem wa'l-ḡolām*, ed. and tr. James W. Morris as *The Master and the Disciple: An Early Islamic Spiritual Dialogue*, London, 2001; *Ketāb al-kaşf*, ed. Rudolf Strothmann, London, 1952; *Sarā'er al-noṭaqā'* and *Asrār al-noṭaqā'*, ed. Moştafā Ğāleb as *Sarā'er wa asrār al-noṭaqā'*, Beirut, 1984.

Studies: Abu 'Ali Manşur 'Azizi Jawḍari, *Sirat al-ostād Jawḍar: wa behi tawqi'āt al-a'emma al-fāṭemiyin*, ed. Moḥammad Kāmel Ḥosayn and Moḥammad 'Abd-al-Ḥādī Şā'ira, Cairo, 1954; tr. Marius Canard, as *Vie de l'Ustadh Jaudhar (contenant sermons, lettres et rescrits des premiers califes fatimides)*, Algiers, 1958. Farhad Daftary, *Ismā'ilīs: Their History and Doctrines*, Cambridge, 1990. Heinz Halm, "Dja'far b. Manşur al-Yaman," in *El<sup>2</sup>*, suppl. pp. 236-37. Ḥosayn b. Fayz-Allāh Hamdāni, *al-Şolayḥiyun wa'l-ḥaraka al-fāṭemiya fi'l-Yaman*, Cairo, 1955. Moḥammad b. Mālek Ḥammādi, *Kaşf asrār al-bāṭeniya wa aḡbār al-Qarāmeṭa*, ed. Moḥammad Zāhed b. Ḥasan Kawṭari, Cairo, 1939. Ismail K. Poonawala, *Biobibliography of Ismā'ili Literature*, Malibu, 1977. Edris 'Emād-al-Din Qoraşi, *Oyun al-aḡbār wa fonun al-ātār fi fażā'el al-a'emma al-aḡḥār*, vols. 4-6, ed. Moştafā Ğāleb, Beirut, 1973-84; vol. 5 and part of vol. 6 ed. Moḥammad Ya'lāwi, Beirut, 1985. Fuat Zezgin, *Geschichte des arabischen Schrifttums*, 8 vols., Leiden, 1967-82, I, pp. 578-79. Samuel Stern, *Studies in Early Ismā'ilism*, Max Schloessinger Memorial Series, Monograph 1, Jerusalem, 1983.

(HAMID HAJI)

#### JA'FAR B. YAḤYĀ BARMAKI.

See BARMAKIDS.

JA'FAR KHAN AZ FARANG ĀMADEH. See MOQADDAM, ḤASAN. Forthcoming, online.

JA'FAR KHAN BAḲTIĀRI. See BAḲTIĀRI.

JA'FAR AL-ŞĀDEQ, ABU 'ABD-ALLĀH, the sixth imam of the Imami Shi'ites. He was the eldest son of Imam Moḥammad al-Bāqer (q.v.) and, on the side of his mother, Omm Farwa, a descendent of Abu Bakr by four generations (Ṭabari, III/IV, p. 2509; Ya'qubi, II, p. 458; Ebn Qotayba, p. 215). He spent most of his life in Medina, where he built up a circle of followers primarily as a theologian, Ḥadith transmitter, and jurist (*faqih*).

i. *Life.*

ii. *Teachings.*

iii. *And Sufism.*

iv. *And Esoteric sciences.*

v. *And herbal medicine.*

vi. *And Shi'ite jurisprudence.* See SHI'ISM. Forthcoming, online.

ISAM KUP.  
DM. 33215/1

محمد عيسى صالحية ، المعجم الشامل للتراث العربى  
المطبوع ، الجزء الثانى ، ص. 318-319 ، ١٩٩٣ ، القاهرة .

- *Cafer b Mansur al-Jami*

\* الداعي جعفر بن منصور اليمنى (الحسن بن فرح بن حوشب بن زاذان الكوفى)  
ت بعد ٣٢٢ هـ / ٩٣٣ م .

١ - سرائر وأسرار النطقاء :

○ تحقيق مصطفى غالب ، بيروت : دار الأندلس ، ١٤٠٤ هـ /  
١٩٨٤ م ، ٢٦٦ ص ، م ٢ ص ، المحتوى .

٢ - كتاب الكشف :

○ تحقيق ستروطمان ، لندن ، نيويورك ، بومبى : مؤسسة الدراسات  
الإسلامية ، Geoffrey Cumblege ، لندن : مطبعة جامعة أكسفورد ،  
١٩٥٢ م ، ٢٥٢ ص ، م ٣٠ ص ، ف ٤٢ ص : فهرست الكتاب ،  
آيات القرآن ، أسماء الرجال والأماكن ، الأغلاط .

271 EKİM 1985

MAJLIS FALSAFAH DAN ADAB  
SOSIAL BANGSA DAN BUDAYA  
MALAYSIA

zu denen es dort in der Tat etwas zu finden gab, waren zwischen Ismāʿīliten und Zwölfem nicht kontrovers. Wenn er sich zu ihnen äußert, so sehr summarisch; Schlüsse lassen sich daraus nicht ziehen. Allerdings benutzt auch er den Ehrentitel Zainalʿābidīn nicht,<sup>527</sup> während bei dessen Sohn der Beiname al-Bāqir bereits erscheint.<sup>528</sup> Er verleugnet Zaid b. ʿAlī<sup>529</sup> und mußte dies wohl auch tun, wenn er selber einmal zur Imāmīya geneigt hatte. Erwähnenswert ist es nur deswegen, weil er eigentlich aus einer zaiditischen Familie kam<sup>530</sup> und die Zaiditen unter den Šīten von Qairawān damals wohl in der Überzahl waren.<sup>531</sup> Auch sie besaßen ja eine revolutionäre Tradition; aber die Neuankömmlinge haben sich diese offenbar nicht zu eigen gemacht.

#### 4.9.2 Die *Asrār an-nuṭaqāʾ* des Ğaʿfar b. Mansūr

MADDE YAYIMLANDIKTAN  
SONRA GELEN DOKÜMAN

Es ist interessant, das bei Ibn al-Haiṭam zutage tretende Geschichtsbild mit demjenigen zu vergleichen, das wir aus den *Asrār an-nuṭaqāʾ* des Ğaʿfar b. Mansūr al-Yaman kennen. Letzterer war einige Jahre nach dem Tod seines Vaters (302/915) in den Magrib ausgewandert, um unter al-Qāʾim (reg. 322/934–334/946) sein Glück zu machen.<sup>532</sup> Jedoch sind die *Asrār* mit Sicherheit später anzusetzen als das *K. al-Munāzarāt* (obgleich auch dieses erst nach dem Tode al-Qāʾims endgültig niedergeschrieben wurde). Im Text selber findet sich die Behauptung, daß seit dem Tode des Ḥasan al-ʿAskarī 120 Jahre vergangen seien;<sup>533</sup> damit kämen wir in die Zeit um 380/990. Das würde uns zwar hinsichtlich der Lebenszeit Ğafars in einige Schwierigkeiten stürzen;<sup>534</sup> aber wenn das Buch nicht ohnehin ein Apokryphon ist,<sup>535</sup> so ist doch zumindest das Geschichtsbild sichtlich weiter aktualisiert. Im Sekten-

527 S. 31, 12 ff.

528 S. 32, 6.

529 S. 32, 9 ff. / übs. 88.

530 S. 58, 10 / übs. 109.

531 Vgl. die Einleitung, S. 24 und 50 f.

532 Hierzu und zum Folgenden Madelung in: *Der Islam* 37/1961/94 ff. > Halm in *El*<sup>2</sup> XII 236 f.; auch Daftary, *Ismāʿīlīs* 599, Anm. 44., und Index s. n. sowie jüngst H. Haji in: *Eliran* XIV 349.

533 Ed. Muṣṭafā Ğalīb, S. 254, 10; Weiteres dazu u. Anm. 542.

534 Vgl. Madelung 94 f., Anm. 273. Wir wären damit bereits im Kalifat des ʿAzīz.

535 Madelung nennt als spätesten chronologischen Anhalt das Abfassungsdatum von Ğafars *Taʾwīl az-zakāt*; dieses ist vielleicht erst im letzten Jahr des Muʿizz, also 365/975 und damit anderthalb Jahrzehnte vorher entstanden.

(030022)

Cafar b. Mansur el-Jeran

جعفر در زمرة رجال و بزرگانی که او را همراهی می‌کردند، نبود؛ از این رو، تصور می‌شد که وی پیش از این تاریخ در گذشته بوده است. اما شواهد موجود در کتاب *تأویل الزکاة* او نشان می‌دهد که وی تا ۳۶۴ هجری زنده بوده است.

جعفر بن منصور الیمین بعد از قاضی نعمان پراثرترین نویسنده موثق اسماعیلی در آغاز دوره فاطمیان است (مادلونگ: 50). زندگینامه (سیره) خودنوشت پدرش - که او آن را ویراسته بود - ظاهراً منبع عمده قاضی نعمان در نوشتن شرح دعوت اسماعیلی در یمن در کتاب *افتتاح الدعوة* بوده است. گمان می‌رود که اثر خود جعفر از مدتی پیش‌تر رسماً از سوی فاطمیان ممنوع اعلام شده بود. از این رو، قاضی نعمان بدون ذکر نام نویسنده از کتاب یادشده نقل قول می‌کند. اقتباسات و نقل قولهای دیگر از این کتاب به صورتی تفسیرگونه در جلدهای ۴ و ۵ *عیون الاخبار* ادریس عماد الدین آمده است (حمدانی، «ماخذ...»، 67؛ نک: هالم، «سیره...»، 109-135).

چنین می‌نماید که کتاب *العالم و الغلام* جعفر نیز مربوط به پیش از عصر فاطمی است. این کتاب داستان تشرّف جوانی را به کیش اسماعیلی حکایت می‌کند، و امکان دارد که مبتنی بر اثری از منصور الیمین، یا فراهم‌آمده از روی یادداشتهایی از او بوده باشد (مجدوع، ۱۳۴-۱۳۵؛ پوناوالا، 76).

کتابهایی که جعفر در مغرب تألیف کرده است، عمدتاً - اما نه منحصرأ - اختصاص به «تأویل» یا تفسیر باطنی قرآن دارد. کتاب *الکشف* او شامل ۶ رساله تأویلی است، و از قرار معلوم از یمن آورده شده، و وی آنها را در زمان خلافت قائم تصحیح و تہذیب کرده است (ویراسته استروتمان، لندن، ۱۹۵۲؛ ویراسته م. غالب، بیروت، ۱۹۸۴م) (هالم، «جهان‌شناسی...»، 169). در دستهای از آثار که شامل تأویلهای خود جعفر است، سلسله‌مراتب دعوت با هتان اصطلاحات و کلمات مانوس پیشین توصیف شده، اما از عقیده جهان‌شناسی اسماعیلی ذکری به‌میان نیامده است. این آثار که به احتمال قوی در دوره خلافت منصور نوشته شده، عبارت است از: *الشواهد و البیان؛ الفرائض و حدود الدین؛ الرضاء فی الباطن؛ و شرح دلالت حروف المعجم یا رساله تأویل حروف المعجم*.

کتاب *الفرائض و حدود الدین* دربر دارنده متن نامه‌ای است که نخستین خلیفه قاطمی، المهدی به جامعه اسماعیلی یمن درباره توالی امامان در دوره پیش از عصر فاطمی، یعنی دوره ستر، فرستاده است. درباره اثرات و تبعات تاریخی این نامه بارها بحث و گفت‌وگو شده است. این نامه را ح. ف. حمدانی تحت عنوان «شجرة خلفاء قاطمی» (نک: ملد، بررسی و چاپ کرده

عبدالجبار، «فضل الاعتزال»، *فضل الاعتزال و طبقات المعتزلة*، به کوشش فواد سید، تونس/الجزایر، ۱۴۰۶/ق/۱۹۸۶م؛ همو، *المعتزی، به کوشش طه حسین و دیگران*، قاهره، ۱۳۸۲/ق/۱۹۶۳م؛ ملطی، محمد، *التبیه و الرد، به کوشش محمد زاهد کوثری*، قاهره، ۱۹۷۷م؛ نادر، البیر نصری، *فلسفة المعتزلة*، اسکندریه، ۱۹۵۰م؛ نسفی، میمون، *تصرة الادلة*، به کوشش کلود سلامه، دمشق، ۱۹۹۰م؛ نشار، علی سامی، *تعلیقات بر اعتقادات فرق...* (نک: همه، *فخر الدین رازی*)؛ نووی، محیی الدین، *المجموع*، بیروت، دارالفکر.

مستعود تازه

جعفر بن مثنی بن عبد السلام، نک: آل نعیم.

جعفر بن منصور الیمین، ابوالحسن، عالم و مفسر اسماعیلی فاطمی. جعفر فرزند بنیان‌گذار جامعه اسماعیلی یمن، حسن بن فرج بن حوشب کوفی، مشهور به منصور الیمین بود. از زندگی او جز اندکی دانسته نیست. اگر کسی که قاضی نعمان در کتاب *افتتاح الدعوة* خود از او به عنوان شاهد عینی حرکت داعی ابوعبدالله شیعی از عدن لایحه یمن در ۲۸۰/ق/۸۹۳م یاد کرده است، این جعفر باشد، پس وی ظاهراً در حوالی سال ۲۷۰/ق/۸۸۳م به دنیا آمده بوده است و در این صورت هنگام تألیف کتاب *تأویل الزکاة* خود (به احتمال قوی: ۳۶۴/ق/۹۷۵م)، بیش از ۹۰ سال داشته است.

ابوالحسن منصور، برادر جعفر، پس از آنکه پدرشان در ۳۰۲/ق/۹۱۴م درگذشت، بر سر رهبری جامعه اسماعیلی یمن بنا داعی عبدالله بن عباس شاوروی اختلاف و درگیری پیدا کرد، و چون دربار فاطمی در مغرب از شاوروی پشتیبانی می‌کرد، ابوالحسن سرانجام شاوروی را کشت و از کیش اسماعیلی ارتداد جست. اما جعفر به نهضت فاطمی وفادار ماند، و در دوره حکمرانی القائم بامرالله (۳۲۲-۳۳۴/ق/۹۳۴-۹۴۶م)، دومین خلیفه فاطمی، به مغرب مهاجرت کرد. در رجب ۳۳۳/مارس ۹۴۵، او در مهدیه شاهد سرکوب شورش ابویزید خارجی به دست فاطمیان بود، و از آن رویداد، در شعری به بزرگی یاد کرد. وی در لشکرکشیهای منصور، جانشین قائم، برضد شورشیان شرکت جست و شعرهایی در وصف پیروزیهای فاطمیان سرود (استرن، 146-152؛ ادریس، ۴۴/۵، ۲۰۶، ۲۷۴، ۳۱۹، ۳۲۹).

وی در اوایل حکمرانی المعزالدین الله (۳۴۱-۳۶۵/ق/۹۵۲-۹۷۶م) در منصوریه، پایتخت جدید فاطمیان، خانه‌ای در نزدیکی قصر داشت. چون نمی‌توانست وام این خانه را بپردازد، به او فشار آوردند که آن را به بستانکار واگذارد؛ اما معز پادرمیانی کرد و دستور داد وام او را تأدیه کنند، و از خدمات جعفر و پدرش به جنبش فاطمیان قدردانی کرد (جوذری، ۱۲۶-۱۲۷). هنگامی که در ۳۶۱/ق/۹۷۲م، معز به قاهره عزیمت کرد، نام

1. «An Early ...»
2. «Die Sirat ...»
3. *Kosmologie* ...
4. *On the Genealogy* ...

27 Nisan 2014

- 1317 GILLON, Fâres. Une version ismaélienne de *hadîs* imamites. Nouvelles perspectives sur le traité II du *Kitâb al-Kašf* attribué à Ga'far b. Mašûr al-Yaman (Xe s.). *Arabica: Journal of Arabic and Islamic Studies*, 59 v (2012) pp.484-509. [With abstracts in English & French.]
- Cafer b. Mašûr al-Yaman  
030022

MADDE YAYIMLANDIKTAN  
SONRA GELEN DOKÜMAN